

شنبه

بازار

یکی از همکارانمان آمد از متولدین بهمن ماه تعریف کند، برگشت به یکی دیگر از همکارانمان که در همین ماه به دنیا آمده گفت: «تعریف از شما نباشد!!» بهمنی‌ها آدم‌های خیلی خوبی هستند!

یکشنبه

بازار

پاسخ به پیامک‌های شما

* **شیمای اینشتین:** اگه مجهول عوض شده بگین، ما طاقتش رو داریم.
 - اما می‌ترسم اگه بگم عوض نشدم طاقت نیارید و ذوق مرگ بشید.
 * **ساقی:** برای مجهول: چرا این قدر مظلومی؟ کلک می‌خوای دل من رو به دست بیاری؟ شنیدم از دوری من سر به بیابون گذاشتی.
 - نه، اول سر به بیابون گذاشتم بعد خواستم دل تو رو به دست بیارم آخه می‌گن لنگه کفش کهنه در بیابان نعمتی است!
 * **یک آدم باحال:** مجهول می‌خوام پیام تبریک تولد دوستم تو صفحه تو چاپ بشه. اگه بفروشمش به موقع چاپ می‌شه یا می‌ره تو نوبت؟
 - شاید طول بکشه اما یادت باشه خودت شروع کردی! خوب آخه آدم حساسی اگه پیامت رو می‌فرستادی اقلاً به شماره جلو بودی، دیگه سوال کردن نداشت که.
 * **ساغر:** در جواب مهران از باروج که پرسیده بود اگه دخترا نبودن دنیا چه حال و روزی داشت باید بگم: ۱- عشق نبود ۲- خودکشی نبود ۳- دیوان شعر و انجمن‌های ادبی نبودن...
 - ساغر نبود، نمک نبود...

دوشنبه

بازار

به اتفاق یکی از دوستانمان در دومین جشنواره بین‌المللی پروین اعتصامی، چند فیلم کوتاه دیدیم. یکی از آنها مستندی ۴۵ دقیقه‌ای به کارگردانی خانم زهرا نیازی بود به نام «زن در سایه ام اس». بیماری ام‌اس از آنجا که بیشتر خانم‌های جوان و تحصیلکرده را درگیر می‌کند، به بیماری زبیرویان معروف است اما دیدن دردها و مشکلات این بیماران در فیلم، به واقع همه را تحت تاثیر قرار داد، به خصوص خانمی که خودش هم ام‌اس داشت و در بخشی از فیلم با او مصاحبه می‌شد که در قسمتی از آن به گریه افتاد و او را سوار بر ویلچرش از سالن بیرون بردند.
 به جز او، تقریباً تمام بیماران ام‌اسی شرکت‌کننده در مستند، در «لنجان» اصفهان زندگی می‌کردند و می‌گویند لنجان، مهد ام‌اس ایران است، چرا که این بیماری در آنجا بسیار شیوع دارد. زندگی زناشویی اغلب زنان بیمار، تحت تاثیر ام‌اس، به جدایی یا تحمل هوو منجر شده بود.
 «رضا یزدانی»، خواننده معروف هم در جلسه حضور داشت و فیلم را پا به پای بقیه دید و در پایان، با آن خانم بیمار عکس یادگاری گرفت، خانمی که در زندگی اجتماعی، آدم موفق‌تری شده بود و اراده‌اش در برابر سختی‌ها، می‌تواند الگوی همه ما قرار بگیرد.

سه شنبه

بازار

جمله سازی، فقط با استفاده از بیست فعل!

داشتم می‌رفتم برم، دیدم گرفت نشستم، گفتم بذار بپرسم ببینم می‌آد نمی‌آد... دیدم می‌گه نمی‌خوام پیام، بذار برم بگیرم بخوابم!

چهارشنبه

بازار

لوتی سوتی ملقاتی!

یکی از همکارانمان مریض شده و دو روز مرخصی گرفته، بعد متوجه شده یکی از آن دو روز، خودش تعطیل رسمی بوده و لازم نبوده مرخصی استعلاجی‌اش را صرف کند. خواسته یک روز مرخصی استعلاجی‌اش را برگرداند، برایش نامه رد کرده اند. حالا نگاه کنید ببینید چه نوشته اند: «خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به برگشت بیماری ایشان اقدامات لازم را معمول نمایند»!!

باسلام احتراماً"باستحضار میرساند

پرستلی ۰۰۰۰ از تاریخ ۰۰/۰۰/۰۰ بمدت دو روز گواهی پزشکی داشته اند از آنجائیکه روز ۰۰/۰۰/۰۰ تعطیل رسمی بوده، لذا خواهشمند است دستور فرمائید نسبت به برگشت بیماری ایشان اقدامات لازم را معمول نمایند .

پنجشنبه

بازار

اگر یادتان باشد در شماره قبل جمله‌ای نوشتیم و از شما خواستیم آن را کامل کنید. این هم جواب‌های آن شماره:

مجهول می‌خواد بره...

- * **۰۹۱۱۸۸۱۸:** می‌خواد بره اون ور آب اما چون مجرده بهش ویزا نمی‌دن. به یک خانم یا آقای مجرد جهت همکاری نیازمنده!
 - * **ساغر:** خواستگاری ارمغان جون.
 - * **دهن لق از ایلام:** می‌خواد بره هوا زمین می‌ره نمی‌دونن تا کجا می‌ره!
 - * **مریم از قزوین:** می‌خواد بره؟ خدا نکنه. حتی تصورش هم برام غیر ممکنه. مجی جونم خیلی دوستت دارم.
- جمله شماره بعدی را همین مریم خانم از قزوین طراحی کرده که شما باید کاملش کنید و تا دو هفته دیگر برای من بفرستید:
- من مجهول را دوست دارم چون...

جمعه

بازار

تاثیر آرایشگاه

زن	مرد
قبل 	قبل 
بعد 	بعد 
۱۵۰ هزار تومان	۵ هزار تومان